

کتک درهانی!

۳۰ هاشمی

نگاهی به روش‌های عجیب و غریب و بی‌سرانجامی که برای ترک اعتیاد به کار گرفته می‌شوند: کتک‌درمانی، آجردرمانی، سگ‌درمانی!

اشاره

دست‌های پدر رو به آسمان بلند است و چشم‌های مادر یک لحظه هم از اشک خشک نمی‌شود. جوان رعنائی که قرار بود روزی پرچم افتخار خانواده را در دست‌هایش بگیرد، حالا شده همنشین لوله‌ها و ستجاق‌هایی که در سه‌سوت، تمام سفیدی‌ها را به سیاهی تبدیل می‌کنند.

حالا چه سنگ‌های سفید کراک باشند، چه گرد هروئینی که آن را «دوا» صدا می‌کنند و هرگز دوا نبوده است، و چه اصلاً سرنوشت تلخ جوانک قربانی‌شده.

برای غول قدرقدرت «اعتیاد»، سیاه کردن سفیدی‌ها، زمان زیادی نمی‌برد؛ حداکثر به اندازه فرو دادن چند حلقه وسوسه‌انگیز دود.

دست‌های پدر و چشمان مادر همچنان در کارند.

مرگ در چند قدمی جوان‌شان ایستاده و به نعشگی‌هایش چشمک می‌زند. همه به دنبال چاره می‌گردند و راه فرار پیدا نمی‌کنند. غریق و اطرافیانش از سر استیصال و ناچاری به هر طنابی چنگ می‌اندازند؛ اما بقدر طناب پوسیده ریخته در مسیر چشم‌ها. برخی سودجویان تحت عنوان «درمان اعتیاد» چه راهکارهای کاسب‌کارانه‌ای که رو نمی‌کنند. برخی از این مراکز ترک، مرکز درمان اعتیاد نیستند. شاید «تجارت ناجوانمردانه معتادان» نام بهتری باشد، و شاید هم «معتادکشی».

گزارش

معمولاً در پروسه پیشرفت بیماری اعتیاد و وجود قربانی، مدت‌ها طول می‌کشد تا فرد بیمار بپذیرد که معتاد است و از پشت دیوار انکار بیرون بیاید. وقتی بیمار دست‌ها را به علامت تسلیم بالا می‌برد و می‌گوید «برای درمان اعتیادم هر کاری که لازم باشد می‌کنم»، یک قدم مهم برای رهایی برداشته شده اما این تازه اولین گام این راه سخت است.

درمان بیماری صعب‌العلاج اعتیاد هرگز کار ساده‌ای نیست و با راهکارهای سنتی و جمله‌های کلیشه‌ای مثل «اراده کن و مواد را کنار بگذار!» یا «آدم باید یک جو غیرت داشته باشد!» نمی‌توان در این مبارزه کار زیادی از پیش برد. پیروزی در این مبارزه، علاوه بر یک تلاش طولانی و خستگی‌ناپذیر به انتخاب درست یک «روش درمانی» نیز نیاز دارد.

شاید انتخاب این روش از میان هزاران پیشنهاد موجود در «بازار» امروزه، سخت‌ترین بخش کار باشد.

تضمینی وجود ندارد

«ترک اعتیاد تضمینی» این عبارت کلیشه‌ای برای بسیاری از مدعیان دروغین درمان اعتیاد به جزئی جدایی‌ناپذیر از تبلیغات‌شان بدل شده است. (لازم بذکر است که در تمام این متن، منظور مراکز درمان غیرمجاز و دورغین است). تبلیغات پرتعداد شبکه‌های ماهواره‌ای، آگهی‌های پرشمار در صفحات روزنامه‌ها و درودیوار شهر این روزها پر است از این ادعای دروغین که با روش‌های مختلف مثل متادون‌درمانی، کپسول‌های معجزه‌آسا، سم‌زدایی فوق‌سریع و... به خاک کشیدن غول اعتیاد را تضمین می‌کنند!

حال آن‌که با اندکی جست‌وجو در میان کارشناسان فن و پرس‌وجو از قربانیان پرشمار اعتیاد می‌توان فهمید عبارت «ترک اعتیاد تضمینی» اساساً از ریشه غلط بوده و ادعای دروغینی بیش نیست.

دکتر مهدی حسینی، متخصص اعصاب و روان می‌گوید: «پروسه درمان اعتیاد به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود: اول ترک فیزیکی یا سم‌زدایی، و دوم مراقبت روحی و روانی برای جلوگیری از عود کردن مجدد. با قاطعیت می‌توان گفت بخش دوم این پروسه بسیار مهم‌تر از بخش اول آن است و درمان بیش‌تر معتادان در این مرحله با شکست مواجه می‌شود. متأسفانه بیش‌تر مؤسسات و پزشکانی که مدعی ترک دادن موفقیت‌آمیز بیماران خود هستند بیش‌تر روی ترک فیزیکی متمرکز می‌شوند و این اشتباه بزرگی است.»

دکتر حسینی صحبت‌های خود را با ارائه یک آمار تکان‌دهنده ادامه می‌دهد: «در کشور انگلیس طبق تحقیقات به عمل آمده از میان معتادانی که دوران ترک فیزیکی خود را با موفقیت به پایان برده‌اند مشخص شده که به‌فاصله یک‌سال پس از شروع درمان، فقط یک‌درصد آن‌ها هنوز پاک بوده و ۹۹ درصد مجدداً به مصرف مواد رو آورده‌اند. جلوگیری از این عود کردن مجدد، باید با جلسات روان‌درمانی و مشاوره‌های مختلف انجام شود و این در حالی است که مراکز ترک اعتیاد ما بعد از طی کردن مرحله سم‌زدایی فیزیکی، فرد معتاد را به حال خود رها کرده و مدعی می‌شوند که او را درمان کرده‌اند.»

داود هستم، یک معتاد!

سعی می‌کنیم مسئله‌ای که این متخصص اعصاب و روان و چند کارشناس دیگر این حیطه به آن اشاره می‌کنند را از زاویه مقابل هم بررسی کنیم. یعنی از زاویه نگاه یک معتاد بهبودیافته.

داود یکی از قربانیان بیماری اعتیاد است که سابقه‌ای ۲۵ ساله در مصرف مواد مخدر داشته. اما در حال حاضر چهارمین سال رهایی از مصرف را طی می‌کند.

او می‌گوید: «بیش از ۴۰ بار و با روش‌های مختلف اقدام به ترک اعتیاد کردم که همه آن‌ها منجر به شکست شد و من هربار ناامیدتر از قبل به مصرف مواد ادامه می‌دادم. تقریباً در تمام این موارد هم ترک فیزیکی را با موفقیت به پایان می‌رساندم. اما بعد از مدتی دوباره لغزش می‌کردم.»

لغزش، اصطلاحی است که معتادان بهبودیافته برای عود کردن مجدد اعتیاد و مصرف دوباره به کار می‌برند.

داود ادامه می‌دهد: «هر روشی که برای ترک وجود دارد من امتحان کرده‌ام. از سم‌زدایی فوق‌سریع گرفته تا طب سوزنی، طب سنتی، سنگ‌درمانی، درمان سرپایی، بستری شدن، و بالاخره ترک یابویی(!)»

زمانی که وضع مالی خوبی داشتم روش‌های ۳-۴ میلیون تومانی را انتخاب می‌کردم و این اواخر رسیده بودم به ترک‌های ۲۵ هزار تومانی! باید بگویم هیچ فرقی نمی‌کند که شما از کدام روش برای پاک شدن استفاده می‌کنید، مهم این است که راه پاک ماندن را پیدا کنید. در روش‌های پرهزینه کم‌تر درد می‌کشید و در روش‌های کم‌هزینه‌تر درد بیش‌تری را تحمل می‌کنید. اما به‌رحال این دردها و بی‌خوابی‌ها گذراست و در زمانی حداکثر ۵ هفته‌ای به پایان می‌رسد. بعد از طی این مدت، همه بیماران، از هر روشی که استفاده کرده باشند، همه در یک نقطه ایستاده‌اند. نقطه‌ای که شروع بخش اصلی ماجراست. از این‌جا به بعد احتمال پاک ماندن بیماران در شرایط عادی یک‌درصد است و آن‌ها باید با استفاده از ابزارهای موجود درمانی این احتمال را افزایش داده و از خود مراقبت کنند. این همان نکته مهمی است که درمان‌گران باید به بیماران خود بگویند اما به‌خاطر این‌که فقط دنبال سود خودشان هستند این کار را نمی‌کنند.»

تولد دوباره با درد تضمینی!

صحبت از اعتیاد و مراکز ترک اعتیاد، آدم را یاد اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مختلف تضمینی و غیر تضمینی، با درد و بی‌درد، مخفی و آبرومندانه مراکز و بعضاً پزشکان و کلینیک‌های ترک اعتیاد می‌اندازد. اما مراکز بی‌اسم و رسم ولی معروف به ترک اعتیاد، فقط این‌ها نیست. از جمله «کمپ‌ها» و «خانه‌های بهبودی» که ظاهراً زیر نظر مؤسسه‌هایی به‌نام «تولد دوباره» اداره می‌شوند و تعدادشان هم بسیار زیاد است. این کمپ‌ها توسط معاندان بهبودیافته تأسیس و اداره می‌شوند و دوره اقامت در آنها ۳ تا ۴ هفته طول می‌کشد.

یکی از گردانندگان این کمپ‌ها می‌گوید: «این‌جا خبری از دکتر و دارو نیست. وقتی هم‌دردها دور هم جمع می‌شوند، درد خماری بین جمع تقسیم شده و تحمل آن آسان‌تر می‌شود. ما هم بدون هیچ چشم‌داشتی به آن‌ها کمک می‌کنیم. این عشقی است که قدیمی‌ترها به ما داده‌اند و ما هم آن را بلاعوض در اختیار اعضای جدید می‌گذاریم.»

هزینه اقامت در این کمپ‌ها بین ۶۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در نوسان است و معمولاً بیماران پس از ترک جسمی و ترخیص از این مراکز جذب گروه‌های NA (انجمن معاندان گمنام) می‌شوند تا برای «پاک ماندن» به هم کمک کنند. تولد دوباره، اعضای موفق هم داشته که بسیاری از آن‌ها زندگی پاک و موفقی دارند اما این مؤسسه هم مثل هر پدیده دیگری در طول زمان شاخ و برگ‌های فراوانی پیدا کرده که برخی از آن‌ها روش‌های غیراصولی، غیرشرعی و بعضاً دور از عقلی را در این مسیر باب کرده‌اند.

یکی از مسئولین مرکز پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر می‌گفت میزان احتمال ابتلای دوباره معتادی که ترک کرده بسیار بالاست. و این یعنی «گناه نکردن از توبه کردن آسان‌تر است» اگرچه بعد از گناه چاره‌ای از توبه نیست.

به جهنم خوش آمدید

خاطراتی که مقیمان بعضی از این کمپ‌ها به زبان می‌آورند، گاهی اوقات قلعه‌های مخوفی را تداعی می‌کند که در آن‌ها خبری از آن «عشق» وعده داده شده نیست.

طبق ادعای سازمان بهزیستی بیش از ۶۰ درصد این کمپ‌ها به‌طور غیرقانونی در باغ‌ها و اراضی حاشیه شهر فعالیت می‌کنند و هیچ نظارتی بر کار آن‌ها صورت نمی‌گیرد. بنابراین قانون در این کمپ‌ها براساس سلیقه صاحبان کمپ وضع می‌شود و در این میان اتفاقاتی مثل ضرب‌وشتم، بسته شدن با غل و زنجیر، بیگاری کشیدن از بیماران در طول اقامت و... در برخی از این کمپ‌ها به یک رسم معمولی تبدیل شده است!

فرید ۲۸ ساله که اقامت در کمپ‌های فراوانی را تجربه کرده می‌گوید: «صاحبان برخی از این کمپ‌ها کار خود را با برپا کردن دو خیمه در حاشیه شهر شروع می‌کنند. سپس از بیماران در طول اقامت‌شان به‌عنوان عمله‌های بدون دستمزد سود می‌برند و ساختمان کمپ را علم می‌کنند. توجیه‌شان هم این است که این کارها -که نام «خدمت» بر آن گذاشته‌اند- یک ابزار درمانی است و پاک ماندن ما را تضمین می‌کند! من خودم لااقل در ساخت‌وساز ۵، ۶ تا از این کمپ‌ها شرکت فعال داشته‌ام و هرگز هم پاک نمانده‌ام.»

فرید ضرب‌وشتم بیماران در برخی از این کمپ‌ها را یک اتفاق طبیعی قلمداد می‌کند: «در این کمپ‌ها به بهانه‌هایی مثل سرپیچی از دستور، بی‌توجهی به قوانین، درخواست انصراف و ترک پیش از موعد کمپ و یا اقدام به فرار، باید کتک بخورید! این تنبیهی است که اغلب به‌طور همزمان توسط چندین نفر از خدمتگزاران کمپ و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن اجرا می‌شود.»



این‌جا سگ بسته‌اند!

امین ۲۵ ساله، یک بیمار بهبودیافته دیگر می‌گوید: «من ۲۱ روز در کمپی زندگی کردم که کوچک‌ترین تنبیه آن‌جا رها شدن در استخر آب سرد در چله زمستان بود! آن هم با حضور چند سگ وحشی که اطراف استخر پرسه می‌زدند.» ظاهراً یک استخر و چند سگ از جمله ملزوماتی است که در تمام این مراکز پیدا می‌شود. تازه این‌ها اتفاقات جاری در کمپ‌های معمولی است که دوره‌های درمان در آن‌ها بیش از موعد مقرر طول نمی‌کشد و خانواده بیماران هم می‌توانند هفته‌ای یک بار با بیمار خود ملاقات کنند. گویا علاوه بر این‌ها مراکز دیگری هم تحت عنوان «کمپ اجباری» مشغول به فعالیت هستند که در آن‌ها بیماران حتی تا ۶ ماه بدون ملاقات و در بدترین شرایط نگهداری می‌شوند.

یک شاهد عینی که حضور در یکی از این کمپ‌ها را در حوالی شهریار تجربه کرده می‌گوید: «خدمتگزاران این کمپ افراد تنومندی هستند که برای کنترل بیماران از شوکر برقی و گاز اشک‌آور استفاده می‌کنند! در این مرکز ممکن است برای همراه داشتن یک تکه نان ساعت‌ها کتک بخورید.»

از رسوم دیگری که در این کمپ‌های اجباری پا گرفته، باید به انتقال اجباری بیماران به کمپ اشاره کرد.

عوامل این مراکز با دریافت مبلغی از خانواده بیمار در یک عملیات ۴-۵ نفره فرد بیمار را در محل زندگی خود داخل گونی کرده و به کمپ انتقال می‌دهند. همان شیوه‌ای که چندی قبل در اطراف تهران منجر به مرگ چند بیمار شد و عوامل کمپ را راهی دادگاه جنایی و صفحات حوادث روزنامه‌ها کرد!

سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند

حتماً این امین‌ها و فریده‌ها و سایر کسانی که به دام اعتیاد افتاده‌اند، تصدیق می‌کنند که سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند!

چه لزومی دارد یک جوان که با زحمت والدین به این سن و سال رسیده است، قدم در راهی بگذارد که برای خلاصی از آن، باید چنین مصایبی را تحمل کند؟!

البته این متن در مورد برخی از مراکز ترک اعتیاد غیر معتبر (که تعدادشان هم کم نیست) تهیه شده و نویسنده قصد ندارد کلیه فعالیت‌هایی که در این زمینه و در مراکز تحت نظر کارشناسان انجام می‌شود، زیر سؤال ببرد.

